

The effect of targeted subsidies on income inequality in Chaharmahal and Bakhtiari province

Arsalan Bagheri Pidni^{*}, Majid Maddah^{}**

Mahboobeh Farahati^{*}**

Abstract

This study, using a regression-based analysis of variance (ANOVA) model, examines income inequality in the urban and rural areas of Chaharmahal and Bakhtiari Province over the period 1984–2021 and evaluates the impact of the Targeted Subsidies Policy on inequality levels. The findings obtained from model estimation indicate that income inequality in the province's urban areas is lower than the average level of inequality observed in urban areas nationwide. Likewise, income inequality in the province's rural areas is also lower than that of rural areas at the national level. Furthermore, based on the results of the analysis of variance (ANOVA), income inequality in the rural areas of the province is significantly higher than in the urban areas. In addition, the findings of the study indicate that the implementation of the targeted subsidy policy has led to a reduction in income inequality in both the urban and rural sectors of Chaharmahal and Bakhtiari Province. However, it should be emphasized that this reduction in inequality has not necessarily been accompanied by improvements in welfare or an enhancement of the standard of living in the province.

^{*} Master of Economics, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran, baqryb817@gmail.com

^{**} Professor of Department of Economics, Semnan University, Semnan, Iran (Corresponding Author), Majid.maddah@semnan.ac.ir

^{***} Associate Professor of Department of Economics, Semnan University, Semnan, Iran, m.farahati@semnan.ac.ir

Date received: 30/05/2025, Date of acceptance: 02/09/2025



Abstract 2

Keywords: Chaharmahal and Bakhtiari Province, Targeted Subsidies, Analysis of Variance, Urban and rural areas, Income Inequality.

JEL Classification: H53, C10, O15, R20.

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد در استان چهارمحال و بختیاری

ارسلان باقری پیدنی*

مجید مداح**، محبوبه فراحتی***

چکیده

این پژوهش با به‌کارگیری الگوی تحلیل واریانس مبتنی بر رگرسیون، وضعیت نابرابری درآمد در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری را در بازه زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰ بررسی و اثر سیاست هدفمندی یارانه‌ها را بر آن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های حاصل از الگوی تحلیل واریانس نشان می‌دهد میزان نابرابری درآمد در مناطق شهری استان کمتر از متوسط نابرابری در مناطق شهری کشور است. همچنین نابرابری درآمد در مناطق روستایی استان نیز از نابرابری مناطق روستایی کل کشور پایین‌تر است. همچنین بر اساس نتایج الگوی تحلیل واریانس، نابرابری درآمدی در مناطق روستایی استان به‌طور معناداری بیشتر از مناطق شهری آن است. علاوه بر این، طبق نتایج تحقیق، اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها موجب کاهش نابرابری درآمد در هر دو بخش شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری شده است. با این حال، لازم به تأکید است که این کاهش نابرابری الزاماً با بهبود رفاه یا ارتقای استاندارد زندگی در استان همراه نبوده است.

کلیدواژه‌ها: استان چهارمحال و بختیاری، هدفمندی یارانه، تحلیل واریانس، مناطق شهری و روستایی، نابرابری درآمد.

* کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران،

baqryb817@gmail.com

** استادگروه اقتصاد، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)، Majid.maddah@semnan.ac.ir

*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، m.farahati@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱



۱. مقدمه

نابرابری توزیع درآمد می‌تواند آثار نامطلوبی بر ابعاد مختلف توسعه در یک جامعه داشته باشد. به همین دلیل، مقابله با این پدیده همواره از دغدغه‌های اصلی دولتمردان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی هر کشوری بوده است. اهمیت این مسئله به حدی است که در مالیه عمومی تلاش برای توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از سه وظیفه عمده دولتها به شمار می‌آید وظیفه توزیعی دولت در جهت تعادل توزیع درآمد میان طبقات مختلف درآمدی در جامعه است؛ به گونه‌ای که فاصله طبقاتی درآمد میان گروههای مختلف جامعه نامنصفانه نبوده، و بر اساس شایسته سالاری (با توجه به برابری افقی و نابرابری عمودی) باشد (فراحتی و ابونوری، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

نابرابری درآمدی بدین معناست که درآمد ایجادشده در کشور در یک دوره زمانی به صورت عادلانه میان افراد، مناطق یا طبقات اجتماعی توزیع نشده است. در سالهای اخیر، افزایش نابرابری درآمدی به یک معضل و مشکل اقتصادی - اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تبدیل شده است. نابرابری درآمد کارایی تخصیص منابع را بدتر می‌کند، تقاضای کل و رشد تولید را محدود ساخته و مصرف و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

سیاست‌های اقتصادی دولت نقش مؤثری در توزیع درآمد دارند. یکی از مهم‌ترین این سیاست‌ها، طرح هدفمندسازی یارانه‌هاست که از سال ۱۳۹۰ با هدف کاهش نابرابری درآمدی از طریق پرداخت نقدی به خانوارها اجرا شده است. با این حال، آثار واقعی این سیاست بر گروه‌های مختلف جامعه هنوز محل بحث و بررسی است. سیاست توزیع یارانه‌ها مجموعه‌ای از اقدامات دولتی برای تخصیص منابع به اقشار مختلف جامعه است که با هدف حمایت از افراد کم‌درآمد، افزایش رفاه اجتماعی یا حمایت از تولید و مصرف کالاهای خاص طراحی می‌شود. اجرای این سیاست مستلزم شناسایی دقیق افراد مشمول، تعیین نوع و روش توزیع یارانه، اعمال محدودیت‌ها و در نهایت، ارزیابی مستمر اثربخشی آن است.

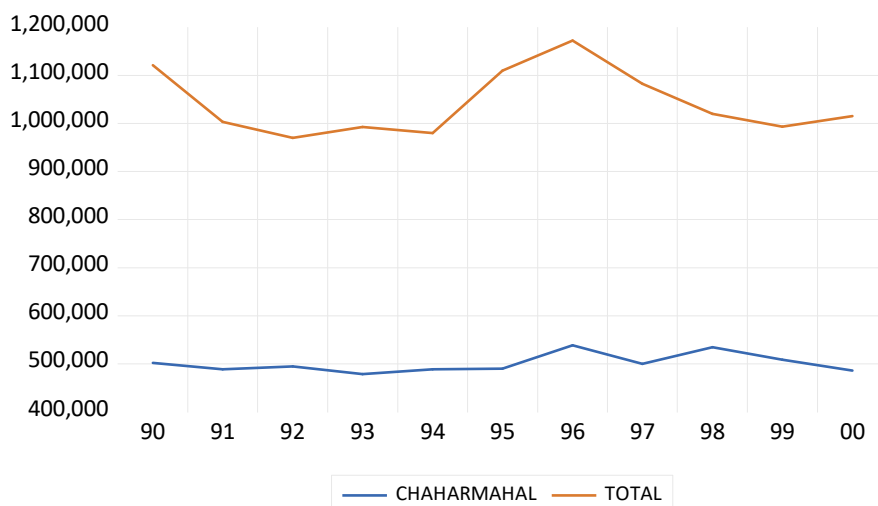
شواهد علمی و اقتصادی نشان‌دهنده آنست که پرداخت همگانی و غیرهدفمند یارانه‌ها، نه تنها در ارتقای درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر اثری ندارد، بلکه منافع آن بیشتر نصیب

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۵

گروه‌های بالای درآمدی می‌شود. در ایران و بیشتر کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه به صورت عام و فراگیر بوده و در بین عموم خانوارها توزیع می‌شود و این امر موج اختلال در اهداف حمایتی یارانه‌ها شده است. زیرا میزان بهره‌مندی خانوارهای فقیر در مجموع از برنامه‌های حمایتی دولتها کم و به دلیل قدرت خرید بیشتر خانوارهای ثروتمند، میزان انتفاع آنها از یارانه بیشتر است. در اجرای سیاستهای هدفمندسازی یارانه، شناسایی اقشار آسیب پذیر و هدایت منافع حاصل از حذف یارانه‌ها، اولین راه حل است. بنابراین، مبحث هدفمندسازی بحثی قدیمی است که مورد توافق اقتصاددانان و سیاستمداران کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است (شهنازی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

توزیع هدفمند یارانه‌ها می‌تواند به تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن و خدمات بهداشتی برای اقشار آسیب‌پذیر کمک کند و از طریق بهبود کیفیت زندگی، به کاهش نابرابری و پیشگیری از تنش‌های اجتماعی منجر شود. همچنین، در صورت تخصیص یارانه به بخش‌هایی مانند کشاورزی و صنایع محلی، اقتصاد منطقه‌ای رونق یافته و فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد می‌شود. این اقدامات می‌توانند دسترسی طبقات کم‌درآمد به خدمات عمومی را بهبود بخشیده و رشد اجتماعی-اقتصادی را تسهیل کنند.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد در استان چهارمحال و بختیاری است. براساس جدیدترین داده‌های منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران درباره حساب‌های منطقه‌ای، در سال ۱۴۰۰ استان چهارمحال و بختیاری با سهمی حدود ۰/۷۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور، در رتبه بیست‌وهشتم میان استان‌ها قرار گرفته است و در شمار استان‌هایی با سهم اندک از تولید ناخالص داخلی کشور محسوب می‌شود. رتبه این استان در شاخص محصول ناخالص داخلی با نفت نیز سی‌ام بوده است و از لحاظ درآمد سرانه نیز رتبه ۱۲۵ام را در میان سایر استان‌ها به خود اختصاص داده است (ذبیحی، ۱۴۰۴: ۵). روند درآمد سرانه در استان و کل کشور در دهه اخیر در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۱. روند درآمد سرانه به قیمت ثابت ۱۴۰۰ طی سالهای ۱۳۹۰-۱۴۰۰
منبع: یافته‌های پژوهش

در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ درآمد سرانه کشور و استان چهارمحال و بختیاری هر دو روندی کاهشی داشته‌اند، هرچند نوسانات در سطح ملی شدیدتر بوده است. افت درآمد سرانه کشور عمدتاً ناشی از شوک‌های کلان، به‌ویژه تحریم‌ها و رکود توریسمی بوده و استان به دلیل ساختار اقتصادی متکی بر کشاورزی و بخش دولتی نوسانات محدودتری را تجربه کرده است. میانگین درآمد سرانه استان در این دوره حدود نیمی از کشور بوده و این شکاف تقریباً ثابت مانده است که نشان‌دهنده عقب‌ماندگی توسعه‌ای و محدودیت‌های ساختاری استان است. اگرچه در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ بهبود نسبی مشاهده می‌شود، این روند پایدار نبوده و در ۱۴۰۰ دوباره کاهش یافته است. در مجموع، استان نه تنها از متوسط ملی عقب است، بلکه توان بهره‌گیری از دوره‌های رونق را نیز ندارد و نیازمند سیاست‌های تقویت تولید و ارتقای بهره‌وری است.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، شاخص ضریب جینی در سال‌های اخیر در استان چهارمحال و بختیاری افزایش یافته است. این روند نشان می‌دهد که قشر ثروتمند توانسته‌اند از طریق سرمایه‌گذاری یا اشتغال در مشاغل پردرآمدتر، درآمد خود را افزایش دهند. استان چهارمحال و بختیاری به دلیل ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقتصادی خود، در سال‌های اخیر با تغییراتی قابل توجه در توزیع درآمد مواجه بوده است. ارتفاعات

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۷

کوهستانی این استان موجب شده‌اند برخی مناطق از دسترسی به خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل محروم بمانند. برای نمونه، روستاهای واقع در ارتفاعات زاگرس معمولاً دسترسی کمتری به بازار کار دارند و این موضوع فرصت‌های شغلی را محدود و درآمد ساکنان این مناطق را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، هزینه بالای ساخت و توسعه زیرساخت‌ها در مناطق کوهستانی، روند توسعه اقتصادی را کند کرده و در نتیجه، نابرابری بین مناطق شهری و روستایی را افزایش داده است. شرایط زمین‌شناسی این استان همچنین منابع آبی را محدود کرده و دسترسی به آب را دشوار ساخته است؛ مسئله‌ای که تنوع محصولات کشاورزی را کاهش داده و درآمد کشاورزان را تحت تأثیر قرار داده است. دشواری‌های حمل‌ونقل نیز موجب افزایش هزینه کالاها و خدمات شده و به‌طور غیرمستقیم بر کاهش درآمد خانوارها اثر گذاشته است.

افزون بر این، شرایط آب‌وهوایی استان همچون زمستان‌های سرد و طولانی، دامنه فعالیت‌های اقتصادی از جمله کشاورزی و گردشگری را محدود کرده است. بارش‌های نامنظم و تکرار خشک‌سالی نیز به کاهش درآمد کشاورزان دامن زده و آن‌ها را در برابر تغییرات بازار و شرایط اقلیمی آسیب‌پذیرتر کرده است. وجود رودخانه‌هایی همچون کارون، زاینده‌رود و چشمه‌های فراوان، چهارمحال و بختیاری را از نظر منابع آبی به استانی نسبتاً غنی تبدیل کرده است. این منابع می‌توانند در بخش‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری مورد استفاده قرار گیرند و زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد باشند. با این حال، دسترسی و توزیع این منابع در سطح استان یکنواخت نیست. پوشش گیاهی غنی و مراتع وسیع، امکان فعالیت در حوزه دامداری و صنایع وابسته را فراهم کرده است؛ اما بهره‌برداری ناپایدار و توزیع نابرابر منابع طبیعی، بر سطح درآمد در مناطق مختلف استان تأثیرگذار است. علاوه بر این، اتکای بیش از حد به منابع طبیعی، اقتصاد استان را در برابر نوسانات قیمت جهانی و تغییرات بازار آسیب‌پذیر می‌سازد. استان چهارمحال و بختیاری به دلیل فاصله جغرافیایی از مراکز اصلی اقتصادی و صنعتی کشور مانند تهران و اصفهان، با چالش‌هایی روبه‌روست. این فاصله، هزینه‌های حمل‌ونقل کالا و محصولات را افزایش داده و به تبع آن، بر قیمت نهایی و سود تولیدکنندگان تأثیر منفی می‌گذارد.

با توجه به شرایط خاص استان چهارمحال و بختیاری، طراحی یک سیستم توزیع عادلانه‌تر یارانه‌ها، نه تنها می‌تواند نابرابری درآمدی را کاهش دهد، بلکه موجب پایداری اقتصادی در سطح منطقه نیز خواهد شد.

در این پژوهش با مقایسه داده‌های مربوط به توزیع درآمد در این استان با میانگین کشوری، تلاش می‌شود عملکرد سیاست‌های توزیعی مورد ارزیابی قرار گیرد. برای دستیابی به این هدف، در این تحقیق از روش تحلیل واریانس و محاسبه ضریب جینی طی دوره ۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است.

در این راستا، در ادامه بعد از مقدمه در بخش دوم، ادبیات تحقیق شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده است. بخش سوم به روش تحقیق اختصاص یافته است. در بخش چهارم، ارائه و تحلیل نتایج و در بخش پنجم، نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. ادبیات تحقیق

یارانه یکی از ابزارهای مهم سیاست‌های مالی دولت است که به منظور تحقق اهداف مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین پرداخت یارانه با نقش دولتها در سیستم اقتصادی ارتباط نزدیک دارد. در نظام‌های اقتصادی مختلف، دولتها به عنوان یکی از ارکان اقتصادی جامعه سه هدف عمده را دنبال می‌کنند که عبارتند از: تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد. پرداخت یارانه را می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای دخالت دولت در سیستم اقتصادی تعبیر نمود که با استفاده از آن در جهت تحقق سه هدف اصلی ذکر شده در راستای سیاست‌های توسعه‌ای، اقدام می‌شود (عباسیان و مرادپور اولادی، ۱۳۸۷ و عباسیان و اسدیگی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۷).

مبنای نظری هدفمندی یارانه‌ها عمدتاً بر پایه نظریه نئوکلاسیک و سیاست‌های تعدیل ساختاری طراحی شده است.

به اعتقاد منکیو (Mankiw) (۲۰۱۲) در نظریه نئوکلاسیک، فرض بر این است که بازارها در شرایط رقابتی، خودبه‌خود به تخصیص بهینه منابع منجر می‌شوند. مکانیسم قیمت‌ها در این نظریه نقش کلیدی دارد و قیمت‌ها به عنوان سیگنال‌های اقتصادی، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را فراهم می‌کنند. در این چارچوب، هرگونه مداخله دولت - به‌ویژه از طریق کنترل قیمت‌ها و پرداخت یارانه‌های غیرهدفمند - موجب اختلال در عملکرد نظام قیمتی، اتلاف منابع و ناکارایی اقتصادی می‌شود.

بر اساس این دیدگاه، یارانه‌هایی که به صورت همگانی و بدون توجه به نیاز واقعی مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شوند (مانند یارانه انرژی)، نه تنها باعث تخصیص غیربهینه منابع می‌شوند، بلکه عدالت اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازند؛ زیرا اقشار پردرآمد بیش از

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۹

اقتضای کم‌درآمد از این یارانه‌ها بهره‌مند می‌شوند. به همین دلیل، نظریه نئوکلاسیک توصیه می‌کند که در صورت نیاز به حمایت دولت، این حمایت باید به صورت هدفمند و ترجیحاً نقدی انجام شود تا ضمن حفظ کارایی بازار، اثرات بازتوزیعی نیز محقق شود.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در نتیجه بحران‌های اقتصادی و بدهی‌های خارجی، تحت حمایت نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی، اقدام به اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری کردند. یکی از اجزای اصلی این برنامه‌ها، حذف یا کاهش یارانه‌ها و اصلاح قیمت‌های نسبی بود. این اقدامات بر مبنای همان اصول نئوکلاسیکی طراحی شده بود که بر نقش بازار و قیمت‌های آزاد تأکید داشت.

به اعتقاد کورینا و همکاران (Cornia et al) (۱۹۸۷) اجرای این سیاست‌ها در برخی کشورها، هرچند به بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی منجر شد، اما در کوتاه‌مدت، پیامدهای منفی از جمله افزایش نرخ فقر، بیکاری و نابرابری را به همراه داشت. در پاسخ به این پیامدها، مفهوم «تعدیل با چهره انسانی» (Adjustment with a Human Face) مطرح شد که بر ضرورت همراهی اصلاحات اقتصادی با سیاست‌های اجتماعی همچون ایجاد تور ایمنی اجتماعی، پرداخت‌های نقدی به خانوارهای فقیر و گسترش خدمات عمومی تأکید داشت.

نظریه عدالت اجتماعی بر توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها در جامعه تأکید دارد. در این دیدگاه، یارانه‌ها ابزاری برای کاهش نابرابری و ارتقاء عدالت اجتماعی به شمار می‌روند. هدف این نظریه، ایجاد جامعه‌ای است که در آن همه افراد از امکانات اقتصادی و اجتماعی به شکل برابر بهره‌مند شوند. بر اساس این دیدگاه، یارانه‌ها باید به‌طور هدفمند به گروه‌های کم‌درآمد اختصاص یابد و با طراحی فرآیندهای دقیق شناسایی و توزیع، از اتلاف منابع جلوگیری شود.

یارانه‌ها در این چارچوب می‌توانند به‌طور مستقیم درآمد افراد کم‌درآمد را افزایش داده و دسترسی آنان به خدماتی چون آموزش، بهداشت و اشتغال را بهبود بخشند. در نتیجه، این امر به کاهش نابرابری فرصت‌ها و شکاف‌های طبقاتی کمک کرده و سطح کلی رفاه اجتماعی را ارتقا می‌دهد.

هدفمندسازی یارانه‌ها از چند کانال می‌تواند بر توزیع درآمد اثرگذار باشد. نخست، پرداخت مستقیم یارانه نقدی بر خانوارها تأثیر می‌گذارد و حذف یارانه‌های غیرنقدی پیشین ممکن است بخشی از مزایای گذشته آنان را کاهش دهد. دوم، کانال تورم ناشی از افزایش

قیمت کالاها در اثر هدفمندسازی است؛ به‌ویژه کالاهایی که پیش‌تر یارانه‌ای بودند، که این تغییرات بسته به الگوی مصرف خانوارها، قدرت خرید آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سوم، اثر درآمدی از طریق کاهش غیرمستقیم درآمد خانوارها عمل می‌کند؛ برای مثال، تأمین منابع خزانه‌ای یارانه‌ها از طریق افزایش مالیات می‌تواند درآمد خانوارها را کاهش دهد و توزیع درآمد را تغییر دهد. در نهایت، تغییر رفتار خانوارها نیز اهمیت دارد؛ خانوارها ممکن است هزینه‌های خود را کاهش دهند، مصرف کالاهای سابقاً یارانه‌ای مانند شیر و نان را کم کنند و حتی رفتار کاری خود را تغییر دهند، به‌گونه‌ای که برخی خانوارهای پرجمعیت دریافت‌کننده یارانه نقدی، انگیزه کمتری برای کار داشته باشند (مزیک، ۱۳۹۶: ۳-۴).

نظریه رفتار اقتصادی به تحلیل اثرات جانبی یارانه‌ها کمک می‌کند. برای مثال، توزیع یارانه‌ها ممکن است باعث تغییرات در رفتار اقتصادی افراد، مانند افزایش مصرف یک کالا شود که در نهایت منجر به افزایش قیمت آن کالا گردد. با در نظر گرفتن این اثرات، می‌توان سیاست‌های توزیع یارانه‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کرد که از اثرات منفی آن‌ها کاسته شود.

رشد اقتصادی زمانی تحقق می‌یابد که منابع به‌طور بهینه به بخش‌های مولد اقتصادی اختصاص یابند و زمینه برای افزایش بهره‌وری و ثروت ملی فراهم شود. در این چارچوب، یارانه‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تحریک سرمایه‌گذاری و ارتقای ظرفیت تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد مورد استفاده قرار گیرند.

هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری درآمدی، به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته ایفا کند. هدف اصلی از اجرای این سیاست، تخصیص منابع به اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد است تا آن‌ها بتوانند با هزینه‌ای کمتر به خدمات اساسی همچون انرژی، بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل دسترسی داشته باشند. این رویکرد می‌تواند قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد را افزایش داده و فشارهای اقتصادی آنان را کاهش دهد.

در زمینه کاهش نابرابری درآمد، سیاست هدفمندی یارانه‌ها با انتقال منابع به خانوارهایی که بیشترین نیاز را دارند، می‌تواند شکاف درآمدی را کاهش دهد. این تأثیر به‌ویژه در مناطق روستایی و کمتر برخوردار، که با محدودیت‌های جغرافیایی و اقتصادی مواجه‌اند، محسوس‌تر است و می‌تواند به کاهش فاصله میان مناطق شهری و روستایی کمک کند. همچنین، تخصیص یارانه به بخش‌هایی مانند کشاورزی، صنعت و انرژی از طریق کاهش هزینه‌های تولید و زندگی، موجب بهبود شرایط اقتصادی و افزایش درآمد گروه‌های

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۱۱

مختلف می‌شود. بدین ترتیب، هدفمندی یارانه‌ها ابزاری مؤثر برای افزایش فرصت‌های اقتصادی برای اقشار کم‌درآمد تلقی می‌شود.

در ادامه مطالعات انجام شده در زمینه پژوهش در دو جدول به تفکیک مطالعات داخلی و خارجی مرور می‌شوند:

جدول ۱. خلاصه مطالعات

محققین	سال انتشار	هدف	نتیجه
مطالعات خارجی			
داموری و پردانا (Damuri & perdana)	۲۰۰۶	بررسی تأثیر سیاست مالی بر توزیع درآمد و فقر	سیاست مالی انبساطی اثر معناداری بر نابرابری درآمد در اندونزی دارد.
سامانتا و کرف (Samanta & Cref)	۲۰۰۵	ارزیابی اثربخشی سیاست مالی بر توزیع درآمد در برخی اقتصادهای در حال گذار	سیاست‌های مالی دولت شامل افزایش مخارج دولت و مالیات‌ها موجب کاهش نابرابری درآمد در ده کشور در حال توسعه گردیده است و در کشورهایی که نابرابری درآمد بیشتر است نیاز به دخالت دولت و افزایش مخارج توزیعی دولت بیشتر است.
پدو همکاران (Pede et al.)	۲۰۱۲	بررسی تأثیر نابرابری درآمد منطقه ای بر رشد اقتصادی در استان های فیلیپین	نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی سرانه تأثیر مثبت و معناداری دارد ولی اندازه این تأثیر در مناطق مختلف متفاوت است به گونه‌ای که استان‌های فقیر، رشد اقتصادی کندتری نسبت به استان‌های ثروتمند دارند.
جوزپینا و مارتا (Giuseppina and Marta)	۲۰۱۶	شناسایی عوامل تعیین کننده ساختاری نابرابری درآمد در اتحادیه اروپا	رشد اقتصادی، میزان مخارج اجتماعی، نهادهای بازار نیروی کار و میزان تحرک اجتماعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در ۲۵ کشور اروپایی است
براتووا-مانولوا (Bratoeva-Manoleva)	۲۰۱۷	شناسایی عوامل تعیین کننده کلان اقتصادی نابرابری درآمد در بلغارستان	هزینه‌های دولت و حمایت‌های اجتماعی باعث کاهش نابرابری درآمد گردیده و سرمایه‌گذاری خارجی، هزینه‌های آموزشی و تورم اثر معنی‌دار بر نابرابری درآمد ندارند.
آلاماندا (Alamanda)	۲۰۲۰	تأثیر مخارج دولت بر نابرابری درآمد و فقر در اندونزی	کمک‌های اجتماعی، هزینه‌های یارانه و کمک‌های بلاعوض تأثیر ناچیزی در کاهش نابرابری درآمد و فقر در اندونزی دارد. با این حال، هزینه‌های زیرساختار با نابرابری درآمد در مناطق شهری و مناطق روستایی همبستگی منفی دارد. همچنین، هزینه‌های زیرساختار با فقر در اندونزی رابطه منفی و معنی‌داری دارد و تأثیر آن در روستاها قابل توجه است.

۱۲ بررسی مسائل اقتصاد ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

محققین	سال انتشار	هدف	نتیجه
لوستیگ و وانگ (Lustig & Wang)	۲۰۰۶	تأثیر مالیات‌ها و پرداختهای انتقالی بر نابرابری درآمد، فقر، و شکاف‌های درآمدی شهری-روستایی و منطقه‌ای در چین	سیستم مالیاتی و انتقالی چین به طور کلی در کاهش فقر و کاهش نابرابری مؤثر بوده است، اما میزان تأثیر آن در مناطق شهری و روستایی و نیز در مناطق مختلف کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی متفاوت است.
مالا و پاتراناکول (Malla & Pathranarakul)	۲۰۰۶	بررسی تأثیر سیاست مالی بر نابرابری درآمد	مالیات تصاعدی و افزایش مخارج دولت تنها در کشورهای درحال توسعه موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود و در کشورهای توسعه‌یافته تأثیر معناداری بر نابرابری درآمد ندارد
مصطفیو همکاران (Mustapha et al.)	۲۰۰۶	بررسی تأثیر شوک های مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در غنا	شوک مخارج دولت بر رشد اقتصادی، نرخ ارز و آموزش در غنا تأثیر مثبت و معناداری در بلندمدت دارد. همچنین شوک درآمد مالیاتی تأثیر مثبتی بر نابرابری درآمد، رشد اقتصادی و آموزش دارد.
مطالعات داخلی			
رنجبرفلاح و داودی	۱۳۹۱	تجزیه نابرابری: مطالعه موردی مناطق شهری و روستایی استان تهران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۶	میانگین نابرابری درآمدی در برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی تفاوت معناداری به لحاظ آماری ندارد و همچنین، باید توجه ویژه‌ای به کاهش نابرابری در مناطق شهری استان تهران شود.
اسمعیلی صدرآبادی و صمصامی	۱۳۹۱	بررسی اثر گام دوم هدفمندی یارانه‌ها بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۹)	اعمال گام دوم هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت نقدی یارانه به‌طور مساوی به همه‌ی گروه‌های درآمدی توزیع درآمد را نامتعادل‌تر می‌کند. همچنین، اعمال گام دوم هدفمندی یارانه با پرداخت نقدی یارانه به هفت دهک اول درآمدی، توزیع درآمد را نسبت به زمانی که به‌طور مساوی به همه دهک درآمدی توزیع شود، متعادل‌تر می‌سازد، اما در کل توزیع درآمد را نامتعادل‌تر می‌کند و سناریوی سوم مبنی بر اعمال گام دوم هدفمندی یارانه و پرداخت نقدی تنها به گروه‌های پایین درآمدی، توزیع درآمد را نسبت به حالت‌های قبل متعادل‌تر می‌سازد.
محمدی و همکاران	۱۳۹۵	تجزیه نابرابری درآمد در استان کردستان در مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲	به‌طورکلی نابرابری کل در استان کردستان روند نزولی دارد ولی نابرابری درآمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی، روند صعودی داشته و همچنین سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها در روند بهبود نابرابری در کل استان مثبت بوده است.

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۱۳

محققین	سال انتشار	هدف	نتیجه
ابراهیمی و همکاران	۱۳۹۵	برآورد شاخص‌های نابرابری شهری و روستایی استان‌های ایران طی برنامه پنج‌ساله (۱۳۶۹-۱۳۹۴)	سه معیار ضریب جینی، شاخص تایل و اتکینسون نتایج سازگاری از روند نابرابری ارائه و یکدیگر را تأیید می‌کنند. بیشترین کاهش نابرابری در مناطق شهری به ترتیب مربوط به استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، بوشهر، کرمانشاه و زنجان و در مناطق روستایی، مربوط به استان‌های سمنان، یزد و هرمزگان است. درحالی‌که برنامه دوم توسعه توفیق کمتری در کاهش شاخص‌های نابرابری داشته؛ برنامه پنجم توسعه موفق‌ترین برنامه در این زمینه بوده است.
مزیکی	۱۳۹۷	بررسی تحولات توزیع درآمدها در دوره هدفمندسازی یارانه‌ها طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۱	در دوره پس از اجرای سیاست، توزیع قدرت خریدهای شبیه سازی شده برخلاف توزیع مخارج خانوارها، برابرتر نشده‌اند. همچنین بهبود توزیع مخارج بیشتر از طریق کاهش فرصت‌ها بوده است.
جمال شرق و همکاران	۱۳۹۸	بررسی اثر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق شهری استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۸	افزایش نسبت مالیات به GDP با تأکید بر مالیات‌های غیرمستقیم در مناطق شهری استان‌های کشور، باعث بهبود توزیع درآمد گردیده و افزایش نسبت هزینه‌های جاری دولت به GDP، موجب وخامت توزیع درآمد در مناطق شهری استان‌های ایران به‌خصوص در بین ثروتمندان شده است. همچنین تفکیک اثرات هزینه‌های جاری و عمرانی دولت نشان می‌دهد، علی‌رغم اثر نامطلوب هزینه‌های جاری بر توزیع درآمد در مناطق شهری، هزینه‌های عمرانی به بهبود توزیع درآمد در اغلب دهک‌های توزیع درآمدی کمک می‌کند. درنهایت، نتایج این مطالعه فرضیه کوزنتس در مناطق شهری ایران را تأیید نکرد. همچنین، افزایش درآمد سرانه بر توزیع مناسب درآمد اثر مثبت داشته و توسعه مالی منجر به بهبود توزیع مناسب درآمد در میان دهک‌ها خواهد شد.
نوبهار و حسنگلی‌زاده	۱۳۹۸	بررسی توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۶	مطابق نتایج در تمامی سال‌های موردبررسی توزیع درآمد، مناطق روستایی، مناطق شهری و کل کشور، هیچ‌یک از توزیع پارتو پیروی نمی‌کنند که نشان از نابرابری توزیع درآمد در این مناطق دارد.
حیدری و همکاران	۱۳۹۸	بررسی روند نابرابری درآمد و فقر در استان هرمزگان به تفکیک مناطق شهری و روستایی و مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۸	فقر در مناطق شهری و روستایی استان هرمزگان نسبت به مناطق شهری و روستایی کل کشور، بیشتر و همچنین، نابرابری درآمد مناطق شهری و روستایی استان هرمزگان نسبت به مناطق شهری و روستایی کل کشور کمتر بوده است.

محققین	فصل	هدف	نتیجه
روزی طلب و همکاران	۲-۳	برآورد نابرابری چندبعدی مناطق شهری و روستایی استان بوشهر در مقایسه با کل کشور طی دوره ۱۳۶۳-۱۴۰۰	میانگین نابرابری در استان بوشهر از کل کشور بیشتر است. همچنین نتایج حاصل از سه نوع الگوی تحلیل واریانس نشان دهنده بیشتر بودن میانگین نابرابری در مناطق روستایی و شهری استان بوشهر از میانگین نابرابری در مناطق روستایی و شهری کل کشور به طور معناداری بوده است. نابرابری در مناطق روستایی استان بوشهر نیز به طور معناداری از نابرابری در مناطق شهری بیشتر بوده است.

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس مطالعات پیشین، مشاهده می‌شود که در مطالعات متعدد خارجی و داخلی تأثیر سیاست‌های مالی بر نابرابری درآمد بررسی شده است. همچنین در برخی از تحقیقات داخلی، نابرابری درآمدی در برخی استان‌ها با نابرابری درآمدی کل کشور، به تفکیک مناطق روستایی و شهری مقایسه شده است. همچنین در برخی دیگر از مطالعات داخلی، روند توزیع درآمد در ایران یا استان‌های خاص مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش، مقایسه توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری با مناطق شهری و روستایی کل کشور و همچنین بررسی تأثیر اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی این استان است.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش بر اساس سه مدل رگرسیون در جدول (۲) مقایسه نابرابری درآمد استان به تفکیک شهر و روستا با کل کشور و مقایسه نابرابری درآمد استان در دو منطقه شهری و روستایی و همچنین تأثیر اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمدی شهری و روستایی استان طی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۴۰۰ انجام می‌شود:

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۱۵

جدول ۲. الگوهای مختلف پژوهش

ردیف	الگو	هدف
۱	$GINI_{it} = \beta_1 + \beta_2 DUT_{it} + U_{it}$	مقایسه نابرابری درآمدی مناطق شهری استان و مناطق شهری کل کشور
۲	$GINI_{it} = \beta_1 + \beta_2 DRT_{it} + U_{it}$	مقایسه نابرابری درآمدی مناطق روستایی استان و مناطق روستایی کل کشور
۳	$GINI_{it} = \beta_1 + \beta_2 DR_{it} + \beta_3 DP_{it} + U_{it}$	مقایسه نابرابری درآمدی مناطق شهری و روستایی استان
		مقایسه نابرابری درآمدی مناطق شهری و روستایی استان قبل و بعد از اجرای هدفمندی یارانه‌ها

که در آن Dp نشان‌دهنده سال‌های توزیع هدفمندی یارانه‌هاست که برای سال ۱۳۹۰ و بعد از آن، عدد ۱ و سال‌های قبل از ۱۳۹۰، عدد ۰ می‌گیرد؛ DR متغیر مجازی مناطق در استان چهارمحال و بختیاری بوده که برای مناطق شهری عدد ۱ و مناطق روستایی عدد ۰ می‌گیرد. DRT متغیر مجازی که برای مناطق روستایی استان عدد ۱ و مناطق روستایی کشور، عدد ۰ می‌گیرد. DUT متغیر مجازی که برای مناطق شهری استان عدد ۱ و مناطق شهری کشور، عدد ۰ می‌گیرد.

مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۷ تقریباً هر سال مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات هزینه و درآمد خانوار در مناطق شهری و روستایی کرده و آن را با عنوان طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارها منتشر ساخته است. این مرکز از سال ۱۳۶۳ (همراه با پیشرفت فناوری اطلاعاتی) اطلاعات حاصل از نمونه‌برداری خانوار را به صورت اطلاعات خام یا ریزداده برای کل کشور و به تفکیک استانی در رایانه ذخیره کرده است (ابونوری و اسناوندی، ۱۳۸۴: ۲۰۱). برای محاسبه نابرابری درآمد، هزینه خانوار که شامل کلیه هزینه‌های مصرفی خوراکی و غیر خوراکی خانوار است به عنوان متغیر جانشین درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این پژوهش نابرابری درآمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی برای استان چهارمحال و بختیاری بر اساس شاخص ضریب جینی و بر مبنای نتایج تفصیلی آمارگیری از طرح هزینه و درآمد خانوار محاسبه می‌شود. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک (یا صفر و صد درصد) که صفر به معنای توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری کامل در توزیع است. مستقل از میانگین و متقارن است (به این معنا که اگر افراد درآمد خود را دوه‌دو معاوضه کنند، ضریب جینی تغییر نخواهد کرد). ضریب جینی، یک عدد مطلق است و در مقایسه با سایر سال‌ها، امکان بررسی و مقایسه آن وجود دارد.

شاخص ضریب جینی دارای ویژگی‌هایی چون اصل انتقال (اصل پیگو-دالتون)، اصل حساسیت نداشتن به تغییر متناسب همه درآمدها، اصل حساسیت به تغییر برابر همه درآمدها، اصل حساسیت نداشتن به متناسب تعداد افراد همه گروه‌ها و سطوح درآمدی، اصل تقارن، اصل هنجارسازی و اصل عملیاتی است (ابونوری و اسناوندی، ۱۳۸۴: ۱۸۵)..

برای محاسبه ضریب جینی با ریزداده‌ها بعد از مرتب کردن هزینه (درآمد) خانوارها به صورت صعودی، فراوانی نسبی تجمعی خانوار و هم چنین فراوانی نسبی تجمعی هزینه‌ی خانوارها را به دست آورده، سپس از رابطه‌ی زیر ضریب جینی محاسبه می‌شود:

$$Gini = 1 - \sum_{i=1}^N (y_{i+1} + y_i)(x_{i+1} - x_i)$$

که در آن، y_i بیانگر فراوانی نسبی تجمعی هزینه خانوارها، x_i بیانگر فراوانی نسبی تجمعی رتبه خانوار نام و N بیانگر تعداد خانوارهای مورد مطالعه است (ابونوری و ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۹).

تعداد خانوارهای نمونه استان چهارمحال و بختیاری در طرح هزینه - درآمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۳. حجم نمونه طرح هزینه درآمد

سال	استان چهارمحال و بختیاری		سال	استان چهارمحال و بختیاری	
	شهری	روستایی		شهری	روستایی
۱۳۶۳	۳۴۰	۴۸۵	۱۳۸۲	۳۳۵	۳۸۰
۱۳۶۴	۳۲۰	۳۴۰	۱۳۸۳	۳۱۵	۴۳۵
۱۳۶۵	۱۰۷	۲۵۳	۱۳۸۴	۳۱۵	۴۵۰
۱۳۶۶	۱۷۰	۵۴۴	۱۳۸۵	۳۲۰	۴۷۵
۱۳۶۷	۱۸۷	۷۱۶	۱۳۸۶	۳۷۰	۴۹۰
۱۳۶۸	۳۲۰	۳۴۰	۱۳۸۷	۵۴۵	۴۸۰
۱۳۶۹	۲۹۰	۴۱۰	۱۳۸۸	۵۴۵	۴۰۵
۱۳۷۰	۲۹۰	۵۶۵	۱۳۸۹	۴۸۷	۵۰۹
۱۳۷۱	۲۹۵	۵۲۵	۱۳۹۰	۴۹۲	۵۰۹
۱۳۷۲	۱۳۱	۳۲۶	۱۳۹۱	۴۹۵	۵۱۵
۱۳۷۳	۱۰۰	۳۹۴	۱۳۹۲	۴۹۸	۵۱۶
۱۳۷۴	۴۸۰	۹۱۵	۱۳۹۳	۴۹۵	۵۰۷

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۱۷

سال	استان چهارمحال و بختیاری		سال	استان چهارمحال و بختیاری	
	شهری	روستایی		شهری	روستایی
۱۳۷۵	۹۵	۳۵۵	۱۳۹۴	۴۹۸	۵۱۶
۱۳۷۶	۹۵	۳۵۰	۱۳۹۵	۴۹۸	۵۱۶
۱۳۷۷	۷۰	۱۸۰	۱۳۹۶	۴۴۲	۴۸۴
۱۳۷۸	۳۶۰	۴۶۹	۱۳۹۷	۶۷۷	۴۹۰
۱۳۷۹	۳۶۰	۴۷۰	۱۳۹۸	۶۴۸	۴۷۴
۱۳۸۰	۳۶۰	۴۷۰	۱۳۹۹	۶۵۱	۴۹۱
۱۳۸۱	۳۶۰	۶۰۰	۱۴۰۰	۶۵۱	۴۹۱

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از محاسبه ضریب جینی به تفکیک مناطق شهری و روستایی برای استان چهارمحال و بختیاری، سه معادله رگرسیون معرفی شده در جدول (۲) با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد خواهند شد. در مدل اول، مقاطع شامل مناطق شهری استان و کل کشور است. در مدل دوم، مقاطع شامل مناطق روستایی استان و کل کشور می‌باشد، و در مدل سوم، مقاطع شامل مناطق شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری است. این سه مدل در دوره زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰ برآورد خواهند شد و بر اساس نتایج حاصل از برآورد این معادلات، اهداف پژوهش دنبال خواهند شد.

۴. تحلیل و تفسیر نتایج

نابرابری توزیع درآمد بر اساس شاخص ضریب جینی برای استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۳ محاسبه شده است. همچنین داده‌های ضریب جینی کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی از مرکز آمار ایران استخراج شده است. جدول زیر برخی آمارهای توصیفی این شاخصها را طی دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۴۰۰ نشان می‌دهد:

جدول ۴. توصیف آماری داده‌ها

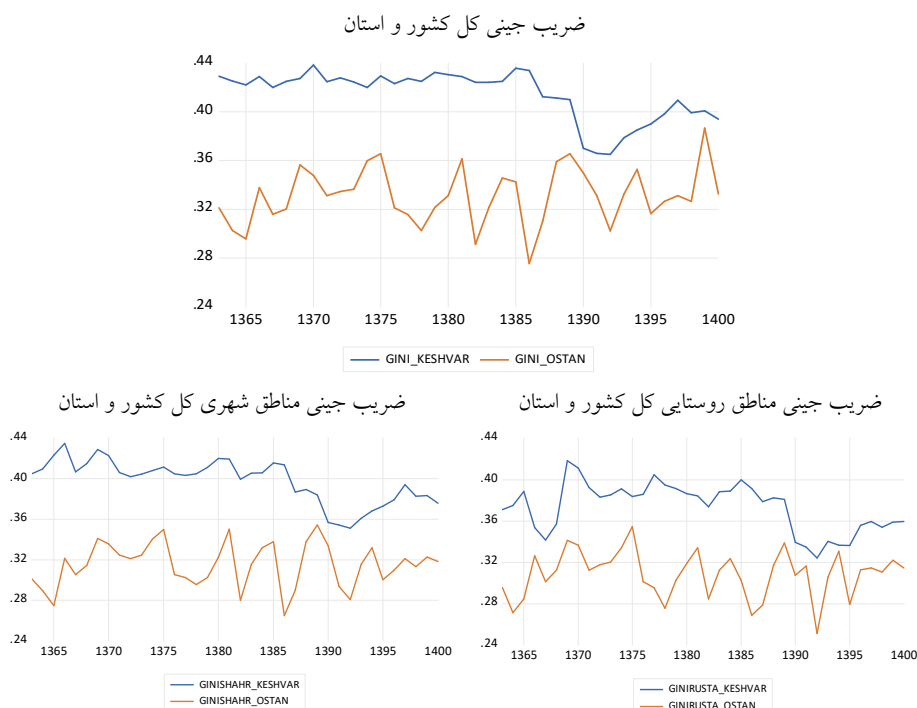
ضرب جینی مناطق شهری استان چهارمحال و بختیاری	ضرب جینی مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری	ضرب جینی کل استان چهارمحال و بختیاری	ضرب جینی مناطق روستایی کل کشور	ضرب جینی مناطق شهری کل کشور	ضرب جینی کل کشور	ن
۰/۳۹۷۹۱۸	۰/۳۷۳۲۳۷	۰/۴۱۴۱۷۱	۰/۳۰۸۶۰۰	۰/۳۱۵۱۲۱	۰/۳۳۱۰۰۳	میانگین
۰/۴۰۴۹۰۰	۰/۳۸۱۶۵۰	۰/۴۲۴۰۵۰	۰/۳۱۲۵۰۰	۰/۳۱۶۹۵۰	۰/۳۳۱۲۰۰	میانه
۰/۴۳۴۷۰۰	۰/۴۱۸۴۰۰	۰/۴۳۸۳۰۰	۰/۳۵۴۵۰۰	۰/۳۵۴۳۰۰	۰/۳۸۶۵۰۰	حداکثر
۰/۳۵۱۲۰۰	۰/۳۲۴۳۰۰	۰/۳۶۵۰۰۰	۰/۲۵۱۱۰۰	۰/۲۶۴۹۰۰	۰/۲۷۵۶۰۰	حداقل
۰/۰۲۱۳۱۶	۰/۰۲۳۵۰۳	۰/۰۲۰۱۳۳	۰/۰۲۲۵۵۳	۰/۰۲۱۸۸۹	۰/۰۲۳۳۴۳	انحراف معیار

منبع: محاسبات تحقیق

این آمارها به عنوان معیارهایی از گرایش مرکزی (میانگین) و تغییرپذیری (انحراف معیار، حداقل و حداکثر)، ویژگی‌های توزیعی داده‌های هر یک از متغیرها را تلخیص می‌نمایند. طبق نتایج، کمترین میزان ضرب جینی در کشور و استان به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۸۶ است. از طرفی، بیشترین مقدار ضرب جینی در کشور مربوط به سال ۱۳۷۰ و در استان مربوط به سال ۱۳۹۹ است. همچنین، بیشترین و کمترین ضرب جینی در مناطق شهری استان به سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹ تعلق دارد، در حالی که سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۶۶ به ترتیب کمترین و بیشترین ضرب جینی در مناطق شهری کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در کشور، سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۷۵ به ترتیب کمترین و بیشترین مقدار ضرب جینی را دارند، در حالی که در مناطق روستایی استان، کمترین و بیشترین ضرب جینی به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۶۹ است.

روند هر یک از این متغیرها در نمودارهای زیر گزارش شده است:

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۱۹



نمودار ۲. روند ضریب جینی کل کشور و استان چهارمحال و بختیاری

منبع: محاسبات محقق

همانطور که مشاهده می‌شود ضریب جینی در استان چهارمحال و بختیاری در تمامی سال‌ها پایین‌تر از ضریب جینی کل کشور ایران بوده است. این نشان‌دهنده این است که نابرابری درآمدی در استان چهارمحال و بختیاری در مقایسه با کشور ایران کمتر بوده است. اگرچه نابرابری درآمدی در استان چهارمحال و بختیاری نسبت به کل کشور کمتر بوده است ولی، در برخی از سال‌ها مانند ۱۳۹۹، نابرابری به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این تحلیل نشان می‌دهد که استان چهارمحال و بختیاری به طور کلی وضعیتی بهتر از کل کشور در زمینه توزیع درآمد دارد، اما در سال‌های اخیر، نابرابری درآمدی در این استان نیز افزایش یافته است.

ضریب جینی در مناطق شهری ایران در طول این دوره تغییرات قابل توجهی داشته و نوسانات زیادی را تجربه کرده است. این نوسانات بیشتر ناشی از تغییرات اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی و بحران‌های مختلفی است که در سطح کل کشور اتفاق افتاده‌اند. به

طور کلی، ضریب جینی در استان چهارمحال و بختیاری همیشه پایین‌تر از مناطق شهری ایران بوده است، که نشان‌دهنده این است که نابرابری درآمدی در استان چهارمحال و بختیاری در تمام سال‌ها کمتر از نابرابری در مناطق شهری ایران بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، نابرابری در مناطق شهری استان چهارمحال و بختیاری افزایش یافته و نزدیک به سطح نابرابری موجود در مناطق شهری ایران رسیده است. بنابراین، استان چهارمحال و بختیاری به‌طور کلی وضعیت بهتری در زمینه توزیع درآمد داشته است، اما از سال ۱۳۹۲ به بعد شاهد افزایش نابرابری در این استان هستیم که مشابه روند در مناطق شهری ایران است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مناطق روستایی کشور، نابرابری به‌طور کلی بیشتر از نابرابری در مناطق روستایی استان بوده است. روند تغییرات نشان می‌دهد که نابرابری در کشور ابتدا روند افزایشی داشته و سپس در برخی سال‌ها کاهش یافته است؛ اما در سال‌های اخیر، دوباره شاهد افزایش نابرابری هستیم. نابرابری در مناطق روستایی استان نیز در طول زمان تغییراتی را تجربه کرده است. در ابتدا، نابرابری افزایش داشته و سپس در دوره‌های بعدی کاهش یافته است، اما در سال‌های اخیر، نابرابری افزایش یافته است. ضریب جینی در مناطق روستایی کشور به‌طور کلی بالاتر از ضریب جینی در مناطق روستایی استان بوده است و در نتیجه نابرابری در مناطق روستایی کشور بیشتر از نابرابری در این مناطق در استان بوده است. در هر دو منطقه، نابرابری ابتدا افزایش یافته و سپس در برخی دوره‌ها کاهش پیدا کرده است، اما در سال‌های اخیر، نابرابری در هر دو منطقه به‌طور نسبی افزایش یافته است. این مقایسه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، نابرابری در مناطق روستایی ایران و استان چهارمحال و بختیاری به‌طور مشابه افزایش یافته است.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت: استان چهارمحال و بختیاری در تمام دوره مورد بررسی (۱۳۶۳ تا ۱۴۰۰)، چه در کل جمعیت و چه در مناطق شهری و روستایی، همواره ضریب جینی پایین‌تری نسبت به میانگین کشور داشته و از توزیع درآمد برابرتری برخوردار بوده است. با این حال، از سال‌های میانی دهه ۱۳۹۰ به بعد، روند نابرابری در استان افزایشی شده و فاصله آن با میانگین کشور کاهش یافته است. بنابراین، هرچند استان به‌طور تاریخی وضعیت مطلوب‌تری در توزیع درآمد داشته، اما مزیت نسبی آن در سال‌های اخیر تضعیف شده و نابرابری در آن نیز در سیر صعودی قرار گرفته است.

پایین بودن نابرابری درآمدی در مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری در مقایسه با مناطق شهری را می‌توان نتیجه ساختار اقتصادی و اجتماعی خاص روستاهای استان دانست. نخست آنکه اکثر شاغلان روستایی در فعالیت‌های مشابهی مانند کشاورزی، دامداری و مشاغل خرد فعالیت می‌کنند و تنوع شغلی و تفاوت سطح دستمزدها نسبت به شهر بسیار کمتر است؛ این یکنواختی ساختاری موجب کاهش فاصله‌های درآمدی می‌شود. دوم، دارایی‌های مولد در روستا مانند زمین کشاورزی - به‌طور نسبتاً مساوی تری میان خانوارها توزیع شده و همین امر مانع شکل‌گیری شکاف‌های بزرگ سرمایه‌ای است. سوم، سطح عمومی درآمد در روستا پایین اما همگن است؛ یعنی اختلاف در سطح درآمد خانوارها کوچک است و حتی خانوارهای بالادست نیز فاصله زیادی با خانوارهای کم‌درآمد ندارند. چهارم، هزینه‌های زندگی در روستا پایین‌تر است و تفاوت در الگوی مصرف، برخلاف شهر، چندان بزرگ نمی‌شود؛ موضوعی که اختلاف درآمد واقعی را محدود می‌کند.

پایین بودن ضریب جینی در استان چهارمحال و بختیاری در مقایسه با کل کشور نشان‌دهنده وجود مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی است که از شکل‌گیری نابرابری گسترده جلوگیری کرده‌اند. این وضعیت عمدتاً ناشی از درآمد سرانه پایین اما نسبتاً همگن در میان گروه‌های مختلف شغلی است که امکان بروز شکاف‌های بزرگ درآمدی را محدود می‌کند. همچنین سهم قابل توجه اشتغال در بخش‌های سستی و کم‌بازده همچون کشاورزی و خدمات خرد، که معمولاً اختلاف درآمدی اندکی ایجاد می‌کنند، به تقویت این الگو کمک کرده است. از سوی دیگر، نبود صنایع بزرگ و سرمایه‌بر در استان مانع از ایجاد تفاوت‌های شدید میان نیروی کار ماهر و غیرماهر شده و همگنی قومی - فرهنگی و ساختار اجتماعی روستامحور نیز با ایجاد الگوهای مشابه مصرف و درآمد، توزیع نسبتاً برابرتری را به دنبال داشته است. بنابراین، ضریب جینی پایین در این استان بیش از آنکه شاخصی از رفاه و توسعه باشد، بازتابی از یک ساختار اقتصادی یکنواخت با سطح عمومی درآمد پایین است.

افزایشی شدن نابرابری درآمد در استان چهارمحال و بختیاری از میانه دهه ۱۳۹۰ را می‌توان نتیجه برهم‌کنش هم‌زمان چند عامل دانست که ساختار اقتصادی و اجتماعی استان را تحت فشار قرار داده‌اند. تورم‌های شدید و جهش‌های ارزی، که اثر فرسایشی بیشتری بر قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد داشتند، موجب شد شکاف میان خانوارهای دارای دارایی

و خانوارهای فاقد دارایی به سرعت افزایش یابد. هم‌زمان، رکود گسترده در اقتصاد ملی، کسب‌وکارهای خرد و مشاغل سنتی - که بخش عمده اشتغال استان را تشکیل می‌دهند - را تضعیف کرده و درآمد بسیاری از خانوارها را کاهش داده است. مهاجرت نیروی کار ماهر نیز ترکیب نیروی انسانی استان را به سمت گروه‌های کم‌مهارت‌تر تغییر داده و نابرابری فرصت‌های شغلی و درآمدی را تشدید کرده است. در کنار این عوامل، کاهش شدید اثرگذاری یارانه نقدی به دلیل تورم، کارکرد بازتوزیعی سیاست‌های حمایتی را تقریباً خنثی کرده و ابزارهای کاهش نابرابری را کم‌اثر کرده است. در مجموع، این مجموعه عوامل باعث شده و نابرابری در سال‌های اخیر در مسیر افزایشی قرار گیرد.

در ادامه نتایج حاصل از الگوهای تحلیل واریانس با رگرسیون مبنای مقایسه ضریب جینی مناطق شهری کل کشور و استان و همچنین مبنای مقایسه ضریب جینی مناطق روستایی کل کشور و استان و همچنین مبنای مقایسه ضریب جینی مناطق شهری و روستایی استان با در نظر گرفتن سیاست هدفمندی یارانه‌ها قرار خواهند گرفت.

نتایج حاصل از برآورد الگوهای اول و دوم با استفاده از داده‌های ترکیبی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج برآورد الگوی اول و دوم

الگوی دوم				الگوی اول			
متغیر	ضرایب	انحراف معیار	(سطح احتمال)	متغیر	ضرایب	انحراف معیار	(سطح احتمال)
عرض از مبدأ	۰/۳۹۶۸۲۹	۰/۰۰۶۵۶۷	۰/۰۰۰۰	عرض از مبدأ	۰/۳۷۲۹۸۹	۰/۰۰۶۶۱۱	۰/۰۰۰۰
DR	-۰/۰۸۲۷۹۷	۰/۰۰۹۲۹۱	۰/۰۰۰۰	DR	-۰/۰۶۳۵۴۳	۰/۰۰۹۳۵۴	۰/۰۰۰۰
آماره DW	۱/۸۸۶۷۵۶	آماره F (سطح احتمال)	۱۹۴/۳۰۹۱ (۰/۰۰۰۰)	آماره DW	۱/۹۳۶۰۲۸	آماره F (سطح احتمال)	۱۰۳/۰۴۲۳ (۰/۰۰۰۰)
ضریب تعیین		۰/۸۴۵۵۲۴		ضریب تعیین		۰/۷۴۳۷۶۱	

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج حاصل از الگوی اول تحلیل واریانس، نابرابری درآمد در مناطق شهری استان طی سالهای ۱۳۶۳-۱۴۰۰ به‌طور متوسط به میزان ۰/۰۸۲۷۹۷ واحد از نابرابری درآمد

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۲۳

مناطق شهری کل کشور کمتر است. همچنین نتایج حاصل از برآورد الگوی دوم حاکی از متفاوت بودن نابرابری درآمد مناطق روستایی استان با مناطق روستایی کل کشور است. نتایج حاصل از برآورد الگوی تحلیل واریانس دوم نشان می‌دهند نابرابری درآمد مناطق روستایی استان طی سالهای ۱۳۶۳-۱۴۰۰ به‌طور متوسط به میزان ۰.۰۶۳۵۴۳ واحد از نابرابری درآمد مناطق روستایی کل کشور کمتر است.

نتایج حاصل از برآورد الگوی سوم تحلیل واریانس در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۶. نتایج برآورد الگوی سوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	سطح احتمال
عرض از مبدأ	۰/۳۸۰۳۱۶	۰/۰۰۵۹۰۲	۰/۰۰۰۰
DR	-۰/۰۵۷۲۳۴	۰/۰۰۷۶۱۱	۰/۰۰۰۰
DP	-۰/۰۲۲۸۸۱	۰/۰۰۷۶۳۵	۰/۰۰۳۸
آماره DW	آماره F (سطح احتمال)		
۱/۸۳۹۴۴۰	۶۸/۹۷۲۸۳ (۰/۰۰۰۰)		
ضریب تعیین	۰/۷۴۷۲۱۸		

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج حاصل نابرابری درآمد در مناطق شهری استان به‌طور متوسط به میزان ۰.۰۵۷۲۳۲ واحد از نابرابری درآمد مناطق روستایی استان کمتر است. از طرفی طبق نتایج، اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها موجب کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی و شهری به‌طور متوسط به میزان ۰.۰۲۲۸۸۱ واحد می‌شود.

نتایج حاصل از آماره F نشان می‌دهد هر سه مدل از لحاظ آماری معنادار هستند. همچنین طبق آماره دوربین واتسون در هر سه مدل فرضیه صفر مبنی بر عدم حضور خودهمبستگی را نمی‌توانیم در سطح اطمینان قابل قبولی رد نمائیم.

۵. نتیجه‌گیری

موضوع نابرابری درآمدی در استان چهارمحال و بختیاری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این استان با ویژگی‌های خاص جغرافیایی و اقتصادی، به ویژه در مناطق روستایی، با چالش‌های زیادی در زمینه توزیع منابع و فرصت‌های اقتصادی روبه‌رو است. نابرابری درآمدی می‌تواند باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش کیفیت زندگی و افزایش فقر در میان اقشار آسیب‌پذیر شود. بنابراین، شناسایی وضعیت نابرابری درآمدی در این استان و اتخاذ سیاست‌های مؤثر برای کاهش آن، نه تنها به بهبود رفاه اجتماعی و اقتصادی استان کمک می‌کند، بلکه موجب توسعه پایدار و هم‌افزایی فرصت‌های اقتصادی برای تمامی ساکنان استان خواهد شد.

در این پژوهش، ابتدا ضریب جینی استان چهارمحال و بختیاری به تفکیک مناطق شهری و روستایی با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه درآمد خانوار در دوره زمانی ۱۳۶۳-۱۴۰۰ برآورد گردید. نتایج حاصل از الگوی تحلیل واریانس با رگرسیون نشان داد که نابرابری درآمد در مناطق شهری استان کمتر از نابرابری درآمد در مناطق شهری کشور است و همچنین نابرابری درآمد در مناطق روستایی استان نیز کمتر از نابرابری درآمد در مناطق روستایی کشور می‌باشد.

مقایسه روند ضریب جینی استان با روند ضریب جینی کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی نیز طی این دوره نشان داد که در ابتدا، استان چهارمحال و بختیاری نسبت به کشور نابرابری کمتری داشته است، اما این شکاف به تدریج از بین رفته و نابرابری‌ها در هر دو منطقه به هم نزدیک‌تر شده است. در مناطق شهری، نابرابری در ابتدا در استان چهارمحال و بختیاری به مراتب کمتر از مناطق شهری کل کشور بود، ولی از سال ۱۳۸۵ به بعد این شکاف کاهش یافته و نابرابری‌ها در هر دو منطقه شهری به هم نزدیک‌تر شده است. همچنین، در مناطق روستایی نیز نابرابری در ابتدا در استان چهارمحال و بختیاری کمتر از مناطق روستایی کشور بود، ولی از سال ۱۳۸۵ به بعد فاصله میان نابرابری‌ها کاهش یافته است.

اگرچه نابرابری در استان چهارمحال و بختیاری و همچنین در مناطق شهری و روستایی آن در طول دوره مورد بررسی به طور کلی پایین‌تر از نابرابری در کل کشور و مناطق شهری و روستایی کشور بوده است، اما در سال‌های اخیر نابرابری در استان و مناطق شهری

و روستایی آن افزایش یافته است. این روند نشان‌دهنده نیاز به سیاست‌های هدفمند برای کاهش نابرابری درآمدی در این استان می‌باشد.

دولت می‌تواند با استفاده از ابزارهایی همچون مالیات، یارانه‌ها، خدمات عمومی و انتقال منابع خزانه‌ای از گروه‌های پردرآمد به گروه‌های کم‌درآمد، به کاهش شکاف‌های درآمدی در این استان کمک نماید. اجرای این سیاست‌ها می‌تواند موجب کاهش نابرابری درآمدی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری شود.

طبق نتایج حاصل از الگوی تحلیل واریانس با رگرسیون، نابرابری درآمد در مناطق شهری استان چهارمحال و بختیاری در مقایسه با مناطق روستایی آن کمتر است. از سوی دیگر، اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها موجب کاهش نابرابری درآمدی در هر دو منطقه شهری و روستایی استان چهارمحال و بختیاری می‌شود. یارانه‌ها می‌توانند موجب افزایش درآمد خانوارهایی شوند که دسترسی کمتری به منابع اقتصادی دارند. در مناطق شهری و روستایی، یارانه‌ها می‌توانند به طور مستقیم به کاهش هزینه‌های زندگی خانواده‌ها کمک کنند، به ویژه در روستاها و مناطق محروم که هزینه‌ها نسبت به درآمدها بیشتر است.

هدفمندی یارانه‌ها باعث افزایش توان خرید مردم می‌شود و این مسئله به خصوص در مناطق روستایی که مردم عموماً درآمد کمتری دارند، بسیار قابل توجه است. از آنجا که هزینه‌های زندگی در این مناطق پایین‌تر از شهرها است، یارانه‌ها می‌توانند تأثیر بیشتری در کاهش شکاف درآمدی داشته باشند. این حمایت‌ها می‌توانند به توزیع بهتر منابع و حمایت از اقشار ضعیف‌تر کمک کنند.

اجرای هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند باعث افزایش دسترسی به خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل شود. این دسترسی بهتر به خدمات می‌تواند بر کاهش نابرابری درآمدی اثرگذار باشد، زیرا به افراد در این مناطق فرصت‌های اقتصادی بهتری می‌دهد. در استان‌هایی مانند چهارمحال و بختیاری که اقتصاد آن‌ها به کشاورزی وابسته است، یارانه‌ها می‌توانند به بهبود وضعیت کشاورزان و تولیدکنندگان محلی کمک کنند. این امر می‌تواند به افزایش درآمد خانواده‌ها و کاهش شکاف اقتصادی در سطح منطقه‌ای کمک کند.

هدفمندی یارانه‌ها به طور خاص به گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان سرپرست خانوار، سالمندان و افراد با درآمد پایین‌تر توجه دارد. در استان‌هایی با ویژگی‌های اجتماعی خاص، مانند چهارمحال و بختیاری، این حمایت‌ها می‌توانند تأثیر زیادی در کاهش نابرابری‌های

درآمدی داشته باشند. با توجه به شرایط آب و هوایی استان و نوسانات درآمد کشاورزان، هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند به‌ویژه در فصول خشک‌سالی و شرایط بد آب‌وهوایی به این اقشار کمک کند.

یکی از چالش‌های بزرگ در مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری، هزینه بالای حمل‌ونقل است. به دلیل شرایط کوهستانی و دورافتاده بودن برخی روستاها، هزینه حمل‌ونقل محصولات کشاورزی و سایر کالاها بالا است. یارانه‌ها می‌توانند در این بخش کمک کنند تا هزینه‌های حمل‌ونقل کاهش یابد و کشاورزان بتوانند محصولات خود را با قیمت رقابتی‌تری به بازار عرضه کنند. این امر می‌تواند باعث افزایش درآمد کشاورزان و کاهش نابرابری‌ها در سطح روستاها شود.

اجرای هدفمندی یارانه‌ها در استان چهارمحال و بختیاری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش نابرابری درآمدی در هر دو بخش شهری و روستایی ایفا کند. در مناطق شهری، این یارانه‌ها از طریق کاهش هزینه‌های زندگی و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، به کاهش فاصله درآمدی کمک خواهند کرد. در مناطق روستایی نیز، تخصیص یارانه‌ها می‌تواند با حمایت از کشاورزان و دامداران و همچنین پروژه‌های مقیاس کوچک، آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی را کاهش دهد و درآمد را پایدارتر کند. افزون بر این، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و بهبود دسترسی به بازار می‌تواند به افزایش درآمد تولیدکنندگان روستایی کمک کرده و در نتیجه نابرابری درآمدی در این مناطق را کاهش دهد.

در این راستا، تخصیص یارانه‌ها به بخش‌های کشاورزی، دامداری و صنعت می‌تواند به رشد کسب‌وکارهای محلی و افزایش تولید در این مناطق کمک کند. این امر منجر به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد در مناطق روستایی می‌شود و به تبع آن نابرابری درآمدی در سطح استان کاهش خواهد یافت. همچنین، تخصیص یارانه به خدمات اساسی مانند بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل عمومی می‌تواند هزینه‌های این خدمات را در روستاها کاهش داده و به بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی کمک کند. این اقدامات می‌تواند نابرابری درآمدی بین مناطق شهری و روستایی را بهبود بخشد.

در استان چهارمحال و بختیاری، که کشاورزی و دامداری منابع اصلی درآمد در مناطق روستایی به شمار می‌روند، هزینه‌های بالا در این بخش‌ها به دلیل شرایط جغرافیایی و تغییرات اقلیمی یک چالش بزرگ برای خانوارها است. هدفمندی یارانه‌ها با تخصیص منابع

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۲۷

به نهاده‌های تولید مانند بذر، کود، سوخت و تجهیزات کشاورزی می‌تواند فشار مالی این گروه‌ها را کاهش دهد.

مناطق روستایی استان به دلیل شرایط کوهستانی و دسترسی محدود به منابع و بازارها با چالش‌های اضافی مواجه‌اند. در این مناطق که با مشکلاتی مانند کمبود زیرساخت‌ها، هزینه بالای حمل‌ونقل و نوسانات درآمدی کشاورزان روبه‌رو هستند، یارانه‌ها می‌تواند در کاهش نابرابری درآمدی مؤثر واقع شوند. این یارانه‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید، بهبود وضعیت زندگی کشاورزان و دامداران و تأمین نیازهای اولیه روستاییان کمک کنند.

در مناطق شهری استان که دسترسی به بازار کار و خدمات عمومی نسبتاً بهتر است، یارانه‌ها می‌تواند با کاهش هزینه‌های اساسی مانند انرژی، آموزش و بهداشت، به گروه‌های کم‌درآمد کمک کنند. این امر می‌تواند قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد شهری را افزایش دهد و نابرابری درآمدی را در این مناطق کاهش دهد. توزیع یارانه‌ها در این مناطق به‌ویژه برای خانوارهایی که با فشارهای هزینه‌های زندگی روبه‌رو هستند، می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی در تأمین نیازهای اساسی داشته باشد.

بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادات سیاستی زیر ارائه می‌شود:

نخست، لازم است طراحی نظام یارانه‌ای با تمرکز ویژه بر مناطق روستایی بازنگری شود. نابرابری‌های شدیدتر در این مناطق نشان‌دهنده ناکارایی نسبی ابزارهای حمایتی عمومی در پاسخگویی به نیازهای اقتصادی خانوارهای روستایی است. در این راستا، تخصیص هدفمندتر منابع یارانه‌ای به روستاها، به‌ویژه از طریق افزایش سهم خانوارهای کم‌درآمد در پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی، می‌تواند به کاهش نابرابری کمک شایانی نماید.

در گام دوم، پیشنهاد می‌شود از سازوکارهای مبتنی بر داده‌های اقتصادی دقیق برای شناسایی گروه‌های هدف بهره گرفته شود. توسعه و بهره‌برداری از سامانه‌های اطلاعات اقتصادی خانوار، که بر مبنای شاخص‌هایی چون سطح درآمد، میزان دارایی، وضعیت اشتغال و مصرف انرژی عمل می‌کنند، می‌تواند امکان تخصیص بهینه و عادلانه یارانه‌ها را فراهم سازد و از نشت منابع به سمت دهک‌های بالای درآمدی جلوگیری نماید.

سوم آن‌که، بازتعریف ترکیب یارانه‌ها با تمرکز بر یارانه‌های کالایی و خدمات عمومی، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون آموزش، بهداشت، آب آشامیدنی، و زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق روستایی، می‌تواند در بلندمدت نابرابری فرصت‌ها و درآمد را کاهش دهد. ارائه

خدمات عمومی رایگان یا یارانه‌ای در مناطق محروم علاوه بر کاهش فشار هزینه‌ای بر خانوارها، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سرمایه انسانی و رشد پایدار منطقه‌ای باشد.

در کنار سیاست‌های حمایتی مستقیم، تدوین برنامه‌های مکمل با محوریت توانمندسازی اقتصادی اقشار کم‌درآمد به‌ویژه در مناطق روستایی توصیه می‌شود. اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی مبتنی بر ظرفیت‌های محلی نظیر مشاغل خانگی، گردشگری بومی، کشاورزی پایدار و صنایع دستی می‌تواند وابستگی به یارانه‌های نقدی را کاهش داده و از رهگذر افزایش درآمد خانوارها، به کاهش نابرابری ساختاری کمک کند.

همچنین، اتخاذ رویکرد منطقه‌ای در سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی، با در نظر گرفتن تفاوت‌های اقلیمی، فرهنگی، و اقتصادی شهرستان‌های مختلف استان ضروری به نظر می‌رسد. طراحی سیاست‌های یارانه‌ای متمایز و متناسب با شرایط خاص هر منطقه، از جمله مناطق کوهستانی، عشایری یا دارای نرخ بالای بیکاری، می‌تواند به بهبود کارایی و عدالت در تخصیص منابع بینجامد.

در نهایت، توصیه می‌شود نظامی منسجم برای پایش و ارزیابی مستمر تأثیر یارانه‌ها بر نابرابری درآمدی در سطح منطقه‌ای تدوین شود. داده‌های حاصل از این پایش‌ها می‌توانند زمینه‌ساز اصلاحات تدریجی و مبتنی بر شواهد در سیاست‌های حمایتی دولت باشند.

در مجموع، اتخاذ رویکردی جامع، داده‌محور و منطقه‌گرا در بازنگری سیاست‌های یارانه‌ای می‌تواند نه تنها موجب کاهش نابرابری درآمدی در استان چهارمحال و بختیاری شود، بلکه الگویی برای سایر مناطق دارای ساختار مشابه نیز فراهم آورد.

در پایان، شایان توجه است که اگرچه طبق نتایج اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها منجر به کاهش نابرابری درآمد در استان چهارمحال و بختیاری شده است، این کاهش نابرابری الزاماً با بهبود رفاه یا ارتقای استاندارد زندگی در استان همراه نبوده است.

کتاب‌نامه

ابراهیمی، سعید، صادقی، سیدکمال، بهشتی، محمدباقر و رنج‌پور، رضا (۱۳۹۶). برآورد شاخص‌های نابرابری شهری و روستایی استان‌های ایران طی برنامه‌های توسعه پنج ساله، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۳): ۱۶۹-۲۰۰.

ابونوری، اسمعیل و اسنوندی، اسماعیل (۱۳۸۴). برآورد و ارزیابی سازگاری شاخص‌های نابرابری اقتصادی با استفاده از ریزداده‌ها در ایران، تحقیقات اقتصادی، ۴۰(۷۱): ۱۷۱-۲۱۰.

اثر هدفمندی یارانه‌ها بر نابرابری درآمد ... (ارسلان باقری پیدنی و دیگران) ۲۹

- ابونوری، اسمعیل و ذوقی، الناز (۱۳۹۲). برآورد و مقایسه ی نابرابری توزیع درآمد با روش های پارامتریک و ناپارامتریک. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۸(۱۶): ۳۰-۱۵.
- اسمعیلی صدرآبادی، فروغ؛ صمصامی، حسین (۱۳۹۵). بررسی اثر گام دوم هدفمندی یارانه‌ها بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران، اقتصاد مقداری، ۱۳(۱): ۳۱-۴۷.
- جمال شرق، سعید؛ خسروی نژاد، علی‌اکبر؛ گرایبی نژاد، غلامرضا؛ میرزائی نژاد، محمدرضا (۱۴۰۰)، بررسی اثر عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در مناطق شهری استان‌های ایران: رویکرد پانل کوانتایل، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸(۲)، ۳۳ - ۱.
- حیدری، حسن، ابونوری، اسمعیل، جعفری صمیمی، احمد و نادمی، یونس (۱۴۰۰). روند نابرابری درآمد و فقر در استان هرمزگان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در مقایسه با کل کشور (۱۳۶۳-۱۳۹۸)، مدل‌سازی اقتصادی، ۱۵(۱): ۲۴-۱.
- ذبیحی، زهرا (۱۴۰۴). تحلیل ساختار اقتصادی استان چهارمحال و بختیاری: شناسایی بخش‌های کلیدی و محاسبه اثرات سرریزی و بازخوردی ارزش افزوده با استفاده از جدول داده-ستانده دومنطقه‌ای. مدیریت پژوهش‌های اقتصادی. ناظران: عیسی منصوری و شیما حاجی‌نوروزی.
- روزی طلب، آناهیتا، ابونوری، اسمعیل و مداح، مجید (۱۴۰۲). برآورد نابرابری چندبعدی مناطق شهری و روستایی استان بوشهر در مقایسه با کل کشور. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، در دست چاپ. https://jqe.scu.ac.ir/article_18713.html
- رنجبرفلاح، محمدرضا و داودی، پدram (۱۳۹۲). تجزیه نابرابری: مطالعه موردی مناطق شهری و روستایی استان تهران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۶، تحقیقات اقتصادی، ۱۸(۴)، ۷۱-۹۰.
- شهنازی، روح اله، شهسوار، محمدرضا و مبشری، محمدحسین (۱۳۹۷). توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه ها در استان فارس. رفاه اجتماعی، ۱۴(۵۴): ۱۶۷-۱۹۹.
- عباسیان، عزت اله و اسدیگی، زهرا (۱۳۹۱)، ارتباط هدفمندی یارانه‌های انرژی با رفاه اجتماعی از مسیر رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۴): ۱۴۳-۱۷۲.
- فراحتی محبوبه، ابونوری اسمعیل. (۱۳۹۷). اثر نامتقارن مالیات بر توزیع درآمد در ایران. پژوهشنامه مالیات، ۲۶(۳۹): ۱۳۹-۱۶۲.
- محمدی، احمد، خانزادی، نوید و حبیبی، فاتح (۱۳۹۶). تجزیه نابرابری درآمدی در استان کردستان بر حسب مناطق شهری و روستایی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ۹(۱۸): ۱۳۱-۱۵۶.
- مزیکی، علی (۱۳۹۷). بررسی تحولات توزیع درآمدها در دوره هدفمندسازی یارانه‌ها: یک شبیه‌سازی خرد با در نظر گرفتن قدرت‌های خرید، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷(۱۶): ۲۴-۱.
- نوبهار، الهام؛ حسنگلی زاده، سجاد (۱۴۰۰). بررسی توزیع درآمد در ایران، چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، ۲۰ مرداد ۱۴۰۰، تهران.

- Alamanda, A. (2020). The Effect of Government Expenditure on Income Inequality and Poverty in Indonesia. *INFO ARTHA*, 4(1), 1-11.
- Bratoeva-Manoleva, S. (2017). Macroeconomic Determinants of Income Inequality in Bulgaria (No. bep-2017-07). St Kliment Ohridski University of Sofia, Faculty of Economics and Business Administration/Center for Economic Theories and Policies.
- Cornia, G. A., Jolly, R., & Stewart, F. (Eds.). (1987). *Adjustment with a human face* (Vol. 1). Oxford: Clarendon Press.
- Damuri, Y. R., & Perdana, A. A. (2003). The impact of fiscal policy on income distribution and poverty: A computable general equilibrium approach for Indonesia. *Economics Working Paper No. WPE068*, Center for Strategic and International Studies, Jakarta, Indonesia.
- Giuseppina, M. Marta, S. (2014). Structural Determinants of Income Inequality in the European Union: Evidence from A Panel Analysis. *Rivista Internazionale di Scienze Sociali*, 124: 37-84.
- Lustig, N., & Wang, Y. (2020). The Impact of Taxes and Transfers on Income Inequality, Poverty, and the Urban-Rural and Regional Income Gaps in China (No. 2003). *Tulane University, Department of Economics*. Malla, M. H., & Pathranarakul, P. (2022). Fiscal policy and income inequality: the critical role of institutional capacity. *Economies*, 10(5), 115.
- Mankiw, N. G. (2012). *Principles of economics* 6th edition. South-Western College Publications.
- Mustapha, Z., Takyi, P. O., Ayibor, R. E., & Adusah-Poku, F. (2024). The impact of fiscal shocks on economic growth and income inequality in Ghana: is there a trade-off?. *African Journal of Economic and Management Studies*, 15(4), 687-703.
- Samanta, S. K., & Cerf, G. (2009). Income distribution and the effectiveness of fiscal policy: Evidence from some transitional economies. *Journal of Economics and Business*, 12(1), 14-21.